گلشن مهر

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم /شماره ۳۲۸۵/ ۸ صفحه / ۲۵۰۰۰ تومان



۲ زیتون گلستان در تنگنای نهال گران و خرید ارزان



۳ داستان غم انگیز کشاورزی در ایران حدیث هفتاد من کاغذ است!



۳ توقیف ۶۰۰ میلیارد تومان پولشویی با منشا مواد مخدر

قالیشویی
کریم آبادی

قالی هایتان را تمیز و درخشان از ما تحویل بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۳۳۵۶۰۹۵۲۷
۰۹۱۱۹۶۹۴۵۰۵



خرگیوش را لک‌لک‌ها بردند
«سینما»
۴-۵



اسکرین‌شات
تله‌ای برای تنبلی حافظه
۷



قطب کشاورزی ایران در محاصره چالش‌های تولید
۸

گلستان و صادرات مواد خام



رییس اتاق بازرگانی گرگان با تأکید بر ضرورت توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی گفت: این استان برای تبدیل ظرفیت‌های کشاورزی به ثروت و اشتغال پایدار باید از خام‌فروشی عبور کند. امیر یوسفی در مراسم گرامیداشت روز جهانی غذا با اشاره به نقش راهبردی صنعت غذا در امنیت غذایی و اقتصاد کشور اظهار کرد: تولیدکنندگان مواد غذایی با وجود مشکلات و محدودیت‌های متعدد، همچنان برای تأمین نیازهای کشور تلاش می‌کنند و باید از زحمات فعالان این عرصه که در شرایط دشوار اقتصادی مسئولیت تأمین معیشت و امنیت غذایی مردم را بر عهده دارند، قدردانی کرد. به گزارش مهر، وی با بیان اینکه صنعت غذا فراتر از تولید و بسته‌بندی محصولات، با سلامت جامعه، امنیت ملی، استقلال اقتصادی، اشتغال و توسعه صنعتی ارتباط مستقیم دارد، افزود: رقابت در صنعت غذای جهان دیگر صرفاً بر سر میزان تولید نیست، بلکه فناوری‌های نوین، بهره‌وری، کیفیت، استانداردهای بین‌المللی، برندسازی و حضور مؤثر در بازارهای جهانی تعیین‌کننده جایگاه کشورها در این صنعت است. یوسفی با تأکید بر ضرورت افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی اظهار کرد: کشورهایی که توانسته‌اند از ظرفیت‌های کشاورزی خود بیشترین بهره اقتصادی را ببرند، تنها به تولید محصولات خام اکتفا نکرده‌اند، بلکه با توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، فرآوری محصولات، ایجاد برندهای معتبر و گسترش صادرات، سهم بیشتری از ارزش اقتصادی زنجیره غذا را به دست آورده‌اند. رییس اتاق بازرگانی گلستان ادامه داد: مزیت‌های کشاورزی زمانی به قدرت اقتصادی تبدیل می‌شود که محصولات در داخل کشور فرآوری شده و به کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شوند و با برند ایرانی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی راه پیدا کنند. وی خام‌فروشی را به معنای واگذاری بخش مهمی از ارزش اقتصادی تولید به دیگران دانست و گفت: عرضه محصولات کشاورزی بدون فرآوری، فرصت‌های اشتغال، توسعه فناوری، افزایش درآمد تولیدکنندگان و ارزآوری بیشتر را از اقتصاد کشور می‌گیرد؛ بنابراین تدوین برنامه عملیاتی برای توسعه صنایع تبدیلی و کاهش خام‌فروشی باید از مطالبات جدی بخش خصوصی باشد.

ادامه در صفحه۲

یادداشت اول

چه باید کرد؟

■ با مسوولیت سردبیر

شرایط زندگی برای بخش زیادی از مردم سخت تر از پیش شده است، فشار اقتصادی بر لایه های متوسط و فرودست باعث شده است تا شهروندان در رتق و فتق امورات اولیه زندگی نیز در بمانند، دولت بیش از یک سال است که درگیر جنگی ناخواسته است و راههای دریایی و زمینی مسدود است، علاوه بر اینها حجم خسارت ها و خرابی های بر جا مانده از دو جنگ اخیر خود داستان دیگری است، در چنین شرایطی حتی با فرض به پایان رسیدن مخاصمه و بازگشت به صلح پایدار نمی توان امیدوار به گشایشی زود رس بود، زیرا بازسازی و سر و سامان دادن به امور، وقتی مضاعف می طلبد، اما شکمهای گرسنه و جیبهای خالی را نمی توان با وعده پر کرد، در چنین شرایطی چه تدبیری باید اندیشید؟ آیا می توان دست بر روی دست گذاشت و به هر بهانه ای حتی به جا و درست بی عملی را پیشه کرد؟ ناگفته پیداست که دولت تمام توان خود را گذاشته است اما استمرار نه جنگ و نه صلح توان را از هر اراده ای خواهد ستاند، پس چه باید کرد؟ به نظر می آید در چنین حال و هوایی است که نهادهای مدنی، خیریه ها و شهروندان متمول بیش از پیش می توانند میدانداری کنند، دستگیری از بیماران، رسیدگی شخصی به ناتوانان، همراهی با خانواده های کم بضاعت و بسیاری از امورات این چنینی در شرایط نابسامان و سخت امروز وظیفه هر ایرانی مسوول است، باید به خاطر داشته باشیم که فرهنگ غنی ملی و دینی ما ایرانیان به ما این بینش و شعور را داده است که در سختی ها و تنگدستیها در کنار برادران و خواهران خود بمانیم و از آنها دستگیری کنیم. پس نیازی به استخاره در کار خیر نیست باید آستین همت را بالا زد و به کمک ناتوانان رفت تا همه با هم به آسایش و فلاح برسیم. به امید آنکه سایه سیاه جنگ از سر ایران عزیز دور شود و آسایش و آرامش بار دیگر مهمان خانواده های ایرانی باشد.

ادامه تیتر اول

یوسفی با اشاره به مشکلات ساختاری فعالان صنعت غذا اظهار کرد: ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی و تجاری یکی از مهم‌ترین نیازهای این صنعت است؛ زیرا تغییرات مکرر مقررات، تصمیمات ناگهانی در حوزه صادرات و واردات و بخشنامه‌های متعارض، هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش داده و قدرت رقابت تولیدکنندگان ایرانی را کاهش می‌دهد. وی اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری را از دیگر ضرورت‌های این حوزه برشمرد و افزود: بسیاری از واحدهای صنایع غذایی برای تولید رقابت‌پذیر به مواد اولیه، تجهیزات، فناوری و قطعاتی نیاز دارند که تأمین آن‌ها مستلزم ارتباط مؤثر با بازارهای خارجی است. سیاست‌های ارزی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که ضمن حمایت از تولید داخلی، امکان تأمین به‌موقع نهاده‌ها و نوسازی خطوط تولید فراهم شود. سخنگوی دولت و بخش خصوصی گلستان همچنین تأمین سرمایه در گردش را از چالش‌های مهم صنایع غذایی دانست و اظهار کرد: بسیاری از واحدهای این صنعت ناچارند مواد اولیه مورد نیاز خود را در فصل برداشت خریداری و برای ماه‌ها نگهداری کنند؛ موضوعی که به منابع مالی قابل توجه نیاز دارد و نظام بانکی باید متناسب با شرایط واقعی این صنعت، ابزارهای تأمین مالی مناسب را در



اختیار تولیدکنندگان قرار دهد. وی با تأکید بر ضرورت هماهنگی دستگاه‌های نظارتی خاطرنشان کرد: حفظ سلامت و ایمنی غذایی مردم یک اصل غیرقابل مذاکره است، اما تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر، موازی‌کاری و طولانی شدن فرآیندهای اداری نباید به مانعی برای تولید تبدیل شود. بخش خصوصی خواهان نظارت دقیق، علمی و استانداردی است که هم سلامت مصرف‌کننده را تضمین کند و هم از تولیدکننده قانون‌مدار حمایت به عمل آورد. یوسفی توسعه صادرات را یکی دیگر از الزامات رشد پایدار صنعت غذا دانست و گفت: این صنعت نمی‌تواند تنها به بازار داخلی متکی باشد و برای حضور مؤثر در بازارهای بین‌المللی باید فرآیندهای گمرکی تسهیل، زیرساخت‌های حمل‌ونقل تقویت، توافقات تجاری مؤثر منعقد و زمینه حضور محصولات ایرانی در نمایشگاه‌های بین‌المللی فراهم شود.

ظرفیت کشاورزی گلستان نباید به خام‌فروشی محدود بماند

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ظرفیت‌های متنوع کشاورزی گلستان اظهار کرد: تولید محصولاتی مانند گندم، دانه‌های روغنی، سیب‌زمینی، نخودفرنگی، باقلا و محصولات باغی، پشتوانه ارزشمندی برای توسعه صنایع غذایی و تبدیلی استان است، اما باید بررسی کنیم که آیا متناسب با این ظرفیت تولیدی، در توسعه فناوری، تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد بازارهای صادراتی نیز موفق عمل کرده‌ایم. یوسفی تأکید کرد: گلستان نباید صرفاً تولیدکننده و تأمین‌کننده مواد خام برای صنایع سایر استان‌ها باشد، بلکه باید به سمت شکل‌گیری یک زنجیره اقتصادی کامل حرکت کند؛ زنجیره‌ای که از مزرعه آغاز شود و با فرآوری، بسته‌بندی، برندسازی و صادرات به بازارهای هدف برسد. وی توسعه صنایع تبدیلی برای فرآوری محصولات شاخص استان را از اولویت‌های اقتصادی دانست و افزود: باید با ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم، شرایطی ایجاد شود تا سهم بیشتری از فرآوری و ارزش افزوده محصولات کشاورزی در داخل گلستان شکل بگیرد؛ اقدامی که علاوه بر افزایش درآمد کشاورزان، زمینه اشتغال صنعتی و پایدار را نیز فراهم می‌کند.

یوسفی با اشاره به موقعیت جغرافیایی استان و ظرفیت‌های آن برای تجارت منطقه‌ای گفت: تبدیل گلستان به یکی از مراکز مهم صادرات محصولات غذایی نیازمند تقویت سردخانه‌ها، مراکز لجستیکی، زیرساخت‌های بسته‌بندی استاندارد، شبکه‌های بازاریابی و ارتباط مؤثر با تجار و بازارهای هدف است. وی پیوند دانشگاه و صنعت را از دیگر الزامات آینده صنایع غذایی عنوان کرد و گفت: آینده این صنعت به فناوری، بهره‌وری، نوآوری و دانش فنی وابسته است و باید ارتباط میان دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، شرکت‌های دانش‌بنیان و واحدهای تولیدی تقویت شود تا ظرفیت علمی استان در خدمت ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری محصولات قرار گیرد.

زیتون گلستان در تنگنای نهال گران و خریدارزان

زمین‌های شیب‌دار فراوان و آب و هوای مدیترانه‌ای، گلستان را به منطقه‌ای مناسب برای تولید زیتون تبدیل کرده و این استان را با ٤ هزار و ۹۰۰ هکتار باغ، به منطقه‌ای پررونق برای این محصول تبدی کرده اما مشکلاتی مانند خرید ارزان زیتون توسط کارخانجات فرآوری و قیمت بالای نهال، از موانع اصلی افزایش بیشتر باغ‌های زیتون گلستان است.به گزارش ایرنا، درآمدزایی خوب، تقاضا برای توسعه کشت آن به ویژه در زمین‌های شیب‌دار استان در حال افزایش است اما رونق بیشتر این بخش به حمایت دولت در تامین نهال یارانه‌ای و کمک به کشت و پرداخت تسهیلات نیاز دارد.بر اساس برآورد هزینه‌های کشت و برداشت و کارگری هر کیلوگرم زیتون باید بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان از باغداران خریداری شود، اما هم اکنون کارخانجات فرآوری استان کیلویی ۵۰ تا ٦۰ هزار تومان این محصول را خریداری می‌کنند که باعث گله زیتون‌کاران استان شده است.گلستان به‌سبب شرایط اقلیمی مناسب و اراضی قابل توجه از استان‌های مستعد برای کشت و توسعه باغات زیتون در کشور به شمار می‌رود و براساس مطالعات دقیق انجام شده در ۷۳ هزار هکتار اراضی این استان شمالی از بندرگز تا مراوه‌تپه ظرفیت خوبی برای کاشت این نوع درخت قرآنی و پرفایده وجود دارد. ایجاد ۱۷ هزار و ۵۰۰ هکتار باغ جدید زیتون در گلستان در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده که تحقق آن نه تنها تولید روغن زیتون داخلی را افزایش می‌دهد، بلکه با تمرکز بر کشت قراردادی و حمایت از کشاورزان، اشتغال پایدار و ارزش افزوده بالایی ایجاد خواهد کرد. معاون مدیریت باغبانی سازمان جهادکشاورزی گلستان، سطح باغ‌های زیتون استان را چهار هزار و ۹۰۰ هکتار اعلام کرد و گفت:



برداشت زیتون کنسروی از اواخر شهریور آغاز شد و از اواخر مهرماه هم باغداران در حال برداشت زیتون روغنی هستند که تا آذرماه ادامه دارد.

پیش بینی برداشت ۱۰ هزار تن زیتون در گلستان

سعید عمادزاده افزود: تاکنون سه هزار تن محصول زیتون در گلستان برداشت شده و پیش بینی می‌شود تا پایان فصل برداشت این عدد به ۱۰ هزار تن برسد. معاون مدیریت باغبانی سازمان جهاد کشاورزی از فعالیت ۱۱ کارخانه فرآوری زیتون در استان خبر داد و از این واحدها خواست برای کمک به رونق این صنعت در استان با قیمت منصفانه‌تری محصول را از کشاورزان خریداری کنند. عمادزاده گفت: باتوجه به اینکه توسعه کشت زیتون جزو برنامه‌های هفتم توسعه است سال‌های قبل حمایت‌های خوبی از فعالان این حوزه چه در رابطه با تامین نهال یارانه‌ای چه کمک به کشت و پرداخت تسهیلات می‌شد اما به دلیل شرایط کشور امسال هنوز اعتباری در این رابطه به استان تخصیص نیافته است. وی بیان کرد: سرمایه گذاران بزرگ بدون حمایت طرح‌های توسعه‌ای را می‌توانند انجام دهند در کنار آن خرده مالکان در صورت حمایت دولت متقاضی توسعه باغ‌های زیتون در سطح ۲۰۰ هکتار به طور عمده در اراضی شیبدار هستند. برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای کشاورزان علاقمند به ایجاد و توسعه باغ‌های زیتون، توسعه کشاورزی قراردادی، حمایت‌های مالی و مشاوره‌ای، تخصیص سهمیه نهاده‌های کشاورزی (انواع کود و سموم شیمیایی)، تربیت نیروی متخصص باغبانی، توسعه مکانیزاسیون و ورود ماشین آلات برداشت محصول و افزایش و پراکندگی مناسب تعداد واحدهای فرآوری زیتون و روغن کشی از جمله نیازها برای توسعه باغ‌های زیتون گلستان و افزایش تولید و درآمد برای کشاورزان آن محسوب می‌شود. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان در نشست بررسی راهکارهای توسعه سطح زیر کشت زیتون و رفع موانع پیش‌روی تولیدکنندگان استان، اظهارکرد: توسعه کشت محصولات دارای ارزش افزوده بالا از جمله زیتون در مناطق بالادست، نقش مهمی در افزایش درآمد کشاورزان و رونق اقتصادی استان دارد.عبدالعلی کیان‌مهر با تاکید بر ضرورت حمایت هدفمند از باغداران، افزود: حمایت از سرمایه‌گذاران، ایجاد قراردادهای تضمینی و رفع موانع تولید، از مهم‌ترین راهکارهای افزایش انگیزه فعالان این بخش و توسعه باغ‌های زیتون در گلستان است.وی تصریح کرد: دولت با تمام توان برای تسهیل ارائه خدمات، رفع موانع اداری و حمایت از توسعه صنایع تبدیلی زیتون اقدام می‌کند تا ضمن تکمیل زنجیره ارزش، ارزش افزوده این محصول در داخل استان حفظ شود.معاون استاندار گلستان خاطرنشان کرد: با هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی و مشارکت فعال بخش خصوصی، تقویت زنجیره تولید و فرآوری زیتون در گلستان با هدف ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد کشاورزان و رونق بخش کشاورزی استان دنبال می‌شود.

داستان غم انگیز کشاورزی در ایران حدیث هفتاد من کاغذ است!



محمد تقی احسن

قرار بود در ایران کشاورزی "محور توسعه باشد ! اما متاسفانه فقط بر روی کاغذ هزینه های ما دلاری درآمد ها ریالی است !!
فقط در یک فقره گندم بگذریم از اینکه؛ برابر قانون؛ قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی، می بایست هر سال نسبت به سال قبل به اندازه تورم اعلامی بانک مرکزی، افزایش یابد .کافی است که تورم ده سال اخیر را با قیمت خرید تضمینی گندم از کشاورزان ؛ مقایسه کنید؛ ببینید چه بی قانونی و ظلمی در حق کشاورزان روا داشته اند !!
در سال جاری کشاورزان بیش از ۵ ماه گندم را به دولت تحویل دادیم؛ هنوز پول کامل نگرفتیم؛ البته می گویند؛ ۹۳ درصد پول کشاورزان پرداخت شده است .خبر آمده حضرات تصمیم گرفته بودند؛ ۷ درصد باقی مانده را بابت بیمه از حساب کشاورزان کسر کنند !که با اعتراض کشاورزان و بنیاد گندم کاران و نمایندگان مواجه شده و حالا تصمیم گرفته اند و به ادارات غله دستور داده اند ؛ صورت حساب ها را دست کاری کنند . هر کیلویی ۱۴۷۰ تومان، معادل ۳ درصد از پول کشاورز کم کنند !!
این در حالی است که برابر قانون، دولت می بایست بعد از ۴۸ ساعت پول کشاورز را پرداخت کنند !
در غیر این صورت می بایست؛ خسارت دیر کرد بدهند به عبارتی از سادگی و صداقت و حیا کشاورزان دارند سو استفاده می کنند !! هیچ کس هم گوشش بدهکار نیست !مظلوم تر از کشاورزان نداریم.
آخر گندم به آرد تبدیل شد آرد به نان و با قیمت گران به مردم فروخته شد حضرات با خانواده هر روز نان می خورند !
ولی کشاورز هنوز پولش را نگرفته است درحالی که الان باید گندم کاری کند !
جالب است؛ باز هم برابر قانون دولت مکلف است در شهریور ماه هر سال؛ قبل از فصل کشت، قیمت تضمینی خرید محصولات کشاورزی را رسمی اعلام کند؛ کاری که تا کنون نکرده است! و در خبرها آمده است که قیمت پیشنهادی و کارشناسی بنیاد گندم و مرکز پژوهش های مجلس و وزارت جهاد؛ مبلغ ۸۰ هزار تومان است؛ اما گویا رانت خواران و تراستی ها موافق این رقم نیستند ! آخر تا کی باید اینگونه در حق کشاورزان ظلم و ستم روا داشت ؟!
آیا این عدالت است؟ صنعت نور چشمی خودرو سازی را ملاحظه کنید که چگونه قیمت های محصولات خود را نجومی افزایش داده؛ می دهد و خواهد داد !!
آیا کسی هست به داد ما کشاورزان برسد ؟!!
ما خواستار اجرای عدالت که در هر سخنرانی از آن یاد می شود ! و پرداخت کامل پول گندم کشاورزان به اضافه پرداخت خسارت بابت عدم پرداخت به موقع پول آنان؛ برابر قانون هستیم .
نکته آخر؛ به نظر می رسد که؛ کسانی می خواهند کشاورزان را ناراضی و نسبت به نظام بدبین کنند و در این شرایط حساس کشور موجب ناامنی جامعه را فراهم نمایند . لطفا؛ هر چه سریعتر تکلیف کشاورزان را مشخص نمائید .

دبیر خانه کشاورز و دبیر بنیاد ملی گندم کاران گرگان

توقیف ۶۰۰ میلیارد تومان پولشویی با منشا مواد مخدر



رئیس کل دادگستری گلستان از شناسایی و توقیف ۹ ملک به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان در یکی از پرونده‌های پولشویی قاچاقچیان مواد مخدر در استان، خبر داد و گفت: تمرکز دستگاه قضایی گلستان بر شناسایی و مصادره دارایی‌های حاصل از قاچاق مواد مخدر است. به گزارش روابط عمومی، محمود اسپانلو اظهار کرد: با هدف ضربه به بنیان‌های مالی قاچاقچیان موادمخدر، همزمان با رسیدگی به پرونده سوداگران مرگ، پرونده‌های پولشویی برای شناسایی اموال قاچاقچیان تشکیل می شود تا اموال حاصل از درآمدهای ناشی از جرم شناسایی و مصادره شود.به گفته وی در حال حاضر ۱۸ پرونده پولشویی مربوط به قاچاقچیان در دادسرای مرکز استان در حال رسیدگی است. دادستان مرکز استان گلستان هم با تاکید بر ضرورت پیگیری هم‌زمان جرائم مرتبط با قاچاق و منابع مالی آن افزود: دادستان‌ها باید در کنار رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر، اموال متهمان را شناسایی و در صورت احراز شرایط قانونی، پرونده‌های پولشویی تشکیل دهند. مهدی رزاقی‌نژاد همچنین از تشدید برخورد با خرده‌فروشان مواد مخدر هم خبر داد و گفت: در این راستا با استفاده از ظرفیت ماده ۱۳ قانون مبارزه با مواد مخدر، محل عرضه خرده فروشان مواد مخدر ضبط می شود و تاکنون ۳۶ پرونده در این زمینه در استان تشکیل شده است.

نبود رادار چالش اصلی هواشناسی گلستان

مدیرکل هواشناسی گلستان نبود رادار هواشناسی را از چالش‌های اصلی پیش‌بینی در استان برشمرد و گفت: به دلیل نبود رادار هواشناسی، از تصاویر سامانه رادار هواشناسی مازندران استفاده می‌کنیم که پوشش کاملی از استان به ویژه مناطق و ارتفاعات شرقی ندارد.به گزارش روابط عمومی، امان‌محمد کمالی اظهارکرد: مجوز ساخت سامانه رادار هواشناسی گلستان در گنبدکاووس دهه فجر سال ۱۳۹۹ با حضور رییس سازمان هواشناسی کشور صادر و عملیات اجرایی آن در مرداد سال ۱۴۰۱ آغاز شد و تا پایان مهر امسال پیشرفت فیزیکی پروژه به ۹۲ درصد رسیده است.وی با تاکید بر اینکه برای تکمیل پروژه و تجهیزات داخلی و خرید کارفرمایی آن ۴۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است و تجهیزات مربوط به دستگاه رادار هواشناسی گنبد توسط سازمان هواشناسی تامین خواهد شد، افزود: تصاویر دریافتی رادار هواشناسی گنبد در صورت تکمیل، کمک بسیار خوبی برای پیش بینی‌های خیلی کوتاه مدت وضعیت جوی، پایش و شناسایی پهنه‌های خطر همراه با بارش‌های شدید و سیل آسا و هشدار به موقع به مسوولان ذیربط خواهد بود.کمالی گفت: ۷۴ ایستگاه باران‌سنجی دستی، ۴۲ ایستگاه خودکار هواشناسی، ۱۱ ایستگاه اقلیم شناسی دستی، ۶ ایستگاه سینوپتیک، ۲ اداره تحقیقات هواشناسی کشاورزی در هاشم‌آباد گرگان و گنبدکاووس، ۲ ایستگاه فرودگاهی در گرگان و کلاله، یک ایستگاه جوبالا که روزانه بالن و رادیوسوند در آن تا ارتفاع ۳۰ کیلومتری از سطح زمین برای اندازه‌گیری سمت و سرعت باد، فشار هوا، دمای هوا و رطوبت نسبی هوا رها سازی می‌شود، یک ایستگاه پایش گرد و غبار در مراوه‌تپه و یک ایستگاه هواشناسی جاده‌ای در مسیر خوش ییلاق استان گلستان وجود دارد.

معماری داستان امروز

رمان مقاله‌ای؛ پیوند تفکر انتقادی با تاروپود پلات (۸)

یوسف قوجّق

رمان معاصر بیش از هر زمان دیگری در برابر روایت‌های صرفاً قصه‌گو و فاقد بنیان اندیشه‌ورزانه احساس بی‌قراری می‌کند. ورود جستار، تأملات فلسفی، تاریخ هنر و دیرینه‌شناسی به دل بافت داستانی، گونه‌ای جدید و اثرگذار به نام «رمان مقاله‌ای» را پدید آورده است. در این شیوه، پی‌گیری ماجرا تنها بهانه و بستری است برای کندوکاو در چرایی فاجعه‌ها، معناباختگی مفاهیم کهن یا بازخوانی زخم‌های جمعی تاریخ. در آثار نویسندگانی چون «میلان کوندرا» (نویسنده چک) و دبلیو. جی. سبالد (نویسنده آلمانی)، داستان ناگهان مکث می‌کند؛ راوی دست شخصیت را رها می‌سازد تا درباره ریشه‌شناسی یک واژه، تحلیل یک عکس کهنه یا ویرانی یک پل در جنگ تأمل کند. با این حال، شگفتی کار در این است که این انقطاع‌ها نه تنها به ریتم آسیب نمی‌زنند، بلکه جهان حسی رمان را عمق می‌بخشند. تفکر در اینجا عارضه‌ای بیرونی بر تن اثر نیست، بلکه دقیقاً خونی است که در رگ‌های پیرنگ جریان دارد و معنای دراماتیک کنش‌ها را آشکار می‌سازد. آسیب کارگاهی بسیار مهلک است: مرز میان «رمان مقاله‌ای» اصیل با وعظ‌های ملال‌آور و مقاله‌های دانشگاهیِ چسبانده‌شده به داستان، بی‌نهایتَ باریک است. نویسنده حق ندارد پلات را گروگان بگیرد تا تئوری‌های انتزاعی خود را به رخ بکشد. بخش‌های تأملی و نظری تنها زمانی نجات‌بخش‌اند که پاسخی مستقیم به بن‌بست وجودی شخصیت اصلی در همان صحنه باشند. اگر بتوان بندهای مقاله‌ای رمان را بدون آسیب زدن به هسته عاطفی و دراماتیک آن حذف کرد، یعنی آن بخش‌ها زائده‌هایی متکلفانه‌اند که باید بی‌رحمانه بریده شوند.

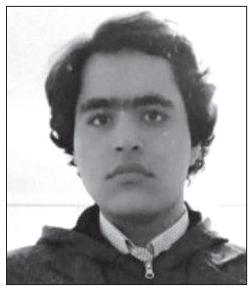
خرگیوش را لک‌لک‌ها بردند



علی درزی -دبیر صفحه

خبیب
پیمان قاسم‌خوانی در مصاحبه‌ای گفته بود: کلمهٔ خبیب یک اصطلاح بسیار بدی بود که فامیل همکلاسی‌ام از آن اکراه داشتند و حتی می‌شد آن را به فحشی بد تعبیر کرد. و من در طی یک کل‌کل به او گفتم، یک کاری می‌کنم این کلمه رو کل ایران استفاده کنند...
و این کار را کرد. او در فیلم «من زمین را دوست دارم» به کارگردانی ابوالحسن داودی، به شخصیت علیرضا خمسه که از فضا آمده بود و برای خودش دنبال نامی زمینی می‌گشت، اسم خبیب را داد.
خبیب برای نویسنده، هم به دلایل شخصی و هم به دلایل داستانی جذاب است ولی، نه به اندازه‌ای که نام فیلم را خبیب بگذارد. (با این‌که من خودم شخصا این فیلم را با نام خبیب به یاد می‌آورم.) این یعنی این‌که قاسم خانی به نسبتی درست از این نمک استفاده کرده، دیگر شورش را درنیاورده. وقتی اسم فیلم خرگیوش را شنیدم گفتم احتمالا پشت انتخاب این اسم برای فیلم همچین چیزهایی باید وجود داشته باشد ولی، بعد از دیدن فیلم متوجه شدم، اصلا مهم نبود.
اصلا مهم نیست.
به همین جمله خبری دقت کنید، "اصلا مهم نیست." از دل همین گزاره می‌شود با استناد به مضمونش، اثری ابزورد تولید کرد یا پست مدرن، یا هجو یا کنایه‌ای یا حتی اثری نیهلیستی. گزاره‌ها به خودی خود صرفا همان معنایی را که می‌رسانند، نیستند. می‌توانند در کنه خود ساختاری به مراتب پیچیده را هم شامل بشوند. در مرحلهٔ بعدی بحث استفاده از ژانر مهم می‌شود. برخلاف تصور، همه ژانرها را یک سری کلیشه‌های مشخص می‌دانند، مانند داده‌های صفر و یک. یعنی می‌شود گفت که تلقی مخاطبان از ژانر، توسط شابلون‌های مشخصی مرزبندی شده، یا کمدی است یا ملودرام. یا ترسناک است یا کمدی. قطعا یک چیز هست و چیزهای دیگر نیست. این تلقی و سلیقه سازی مرزبندی شده به واسطهٔ فیلم‌های ایرانی‌ایی که می‌بینیم، کتاب‌های ایرانی‌ایی که می‌خوانیم، در ذائقه مخاطبان به صورت صفر یا صد رسوب کرده. در حالی که این اتفاق افتاده کاملا اشتباه‌ست. ژانر در سینما و ادبیات دیگر مرز نیست بلکه طیف است، با همین نگاه طیفی به ژانر می‌توانیم گزاره‌هایی (قصه‌هایی) به ظاهر ساده ولی در باطن پیچیده را رام کنیم و به داستان درآوریم و یا حتی فیلم.
از خیر نام فیلم گذشته بودم و با اتکا به همین مضمون "اصلا مهم نیست"، دنبال محو شدگی مرزهای ژانری بودم که دیدم نه، فیلم کمدی است. کمدی یا کمدی. هیچ چیز دیگری ندارد. پس گفتم باید همین اصلا مهم نیست را را به صورت لخت و عریان در نظر بگیرم، تا حدودی ابزورد دیدمش. ولی وقتی به عقب برگشتم و دیدم فیلم با مراسم ختم و سرطان بزرگ‌ترین معمار کشور معاصر شروع شده، گفتم پس احتمالا از آن ابزوردهای شوخی با مرگه. که متاسفانه در ادامه، آن هم نبود.
فیلم خرگیوش با ظرافت‌هایی در کارگردانی، استفاده از رنگ‌ها و عمق تصویرهای غیر متعارف در کنار روایتی نه چندان خطی و عادی، سعی در انجام یک کار متفاوت در بستر طنز داشت ولی موفق به این امر نشد. بیشتر از این‌که از محو شدگی ژانری اسفاده کند و با آمدن دخترک فضا را سمت توهم (مرز باریکی بین تصویر سورئالیستی و توهم قرص) ببرد، روی پای خودش ایستاد و گفت: من یک هیچم، مثل همان مجسمه‌های میلیاردی هیچ که در حراجی تهران فروخته شد. مثل همان شخصیت نقاش در فیلم. هیچ مثل سیمرغ بهرام رادان برای مسابقه آهنگ خوانی سه سرخوش، هیچ مثل بچه پولدارهای سگ فروش و آرتیست نقاش کولونی‌های چند ده نفره، هیچ مثل پسر بزرگترین معمار شهر که احتمالا از ترس خدمت تعداد ترم‌های دانشگاهش دو رقمی شده. هیچ مثل نامزدی مثلا روشنفکر. خرگیوش به جای آن کارگردانی‌ها و نماها و موقعیت‌ها و عجیب و غریب بودن‌هایش، به چیزی نیاز داشت که در ایران ممنوع است. و سوال مهم:
مانی جان باغبانی! چرا باید در استخری شنا کنی که آب ندارد؟ یا شنا بلد نیستی، یا پولی اندازهٔ تابلو هیچ دستت رسیده که می‌خواهی فقط خرج کرده باشی، تماشاگرانت هم لابد اندازهٔ طرفدران آرتیست نقاش داخل فیلمت (با بازی سیامک انصاری) هستند. خرگیوش مانند این است که بخواهی در مورد عمل لقاح صحبت کنی ولی، لک‌لک نشانمان بدهی.

ساختار روایی کنایی



محمدصالح فصیحی

ارسطو در تعریف شعر، به خیال یا خیال‌انگیزی اشاره میکند. به اینکه دارای ویژگی ای باشد که تخیل را بارور و فعال کند. و این امر، می تواند مسجع باشد یا موزون یا با قافیه و هجا و عروض، و یا بدون اینها. ازین رو شاعرانگی است که اهمیت میبابد و به تبع شاعرانگی، پرورش-پروراندنِ خیال‌انگیزی. همچنین بیهقی در آغاز مجلد ششم تاریخَش، سه قوه را برای انسان نام میبرد: خرد و سخن، خشم، و آرزو:«اما قوّهٔ خرد و سخن: او را در سر سه جایگاه است یکی را تخیّل گویند، نخستین درجه که چیزها را بتواند دید و شنید؛ و دیگر درجه آنست که تمیز تواند کرد و نگاه داشت؛ پس از این تواند دانست حق را از باطل و نیکو را از زشت و ممکن را از ناممکن. و سوم درجه آنست که هرچه بدیده باشد، فهم تواند کرد و نگاه داشت.» با این تعریف، تخیل از آنی که در روزمره به کار میبریم و متداول است برایمان، گستره ی بیشتری را در برمیگیرد. تخیل، مصدر باب تَفَعُل است: تَخَیَل، یَتَخَیَلُ، تَخَیَلْ، تَخَیُل. که به ترتیب صیغه ی اول ماضی، مضارع، امر، و مصدرش هستند. اما این تغییر شکل و وزن و به باب رفتن، باعث چه میشود؟ یکی اینست که فاعل این افعال، خودش بر روی خودش اثر میگذارد. چه مستقیم و چه غیرمستقیم، چه ساده چه دشوار: نگاه کنید به معانی کلمات پرتکراری چون تحمل، تامل، تضرع، توجه، تصور، و یا همین تخیل؛ که به عنوان مثال ما تحمل را در جای خاصی به کار میبریم، تحمیل را در جایی، حامل را در جایی، و نیز محمِل و حمله و محمول و حامله و حَمّال را نیز. ریشه ی همگی، سه حرف حا و میم و لام است، ولی معنی همگیشان یکی نیست. اما تخیل هم همین گونه است؟ خیال و تخیل و مخیله مثلا. اگر فاعلی بخواهد فعل خیال را انجام دهد، خیال کند یا تخیل کند، دارد خودش، بر خودش-بر روی خودش، کاری را انجام میدهد که آن میشود خیال. اما خیال-معنی خیال، مساوی همان تصور یا رویا یا کابوس و خواب و امور ذهنی-معنوی یا در معنایی منفی، هپروتِ امروزی میشود؟ اگر بخواهیم ساده انگارانه درگیر تعمیم شویم، آنگاه تفاوتی ندارد تصورکردن با خیال کردن. فرقی ندارد یکی که خیالاتی شده با کسی که «راهی سفر به خیالم/ من فکر نمیکنم به زیانم - خیال؛ فرشاد - نویسنده.» اما خیال همین است؟ تخیل و خیال‌انگیزی همین است؟ اگر اینگونه است، یعنی عاملی بی ارزش و یا منفی باعث شعر و شاعرانگی میشود؟ اگر جواب، خیر است، آنگاه دیگر نمیتوانیم با تعریفی متداول و سطحی از خیال و تخیل بگوییم، و یا آن را دست کم بگیریم و مثل چیزی دم دستی و تفننی ببینیمش. که اگر از سخن ارسطو پیش تر بیاییم، آن موقع نه تنها شعر، بلکه ادبیات نیز، نیازمند همان تخیل میشود، به عبارتی سوای تعاریف سنتی ای که فصاحت و بلاغت را لازمه ی ادبیات-ادبیت میدانند و آن را با کلماتی انتزاعی تثبیت و تعریف میکند، ما میتوانیم به امری مشترک بین متون ادبی تکیه و بسنده کنیم، که حتی آن فصیح و بلیغ بودن نیز، از قِبَل همین امر خیالی در نظر گرفته میشود. اما خب همه ی اینها را برای چه گفتیم؟ برای اینکه در ابتدای ابتدای صحبتمان نیاز داریم به اینکه بین سخن ادبی با سخن غیر ادبی تمایز بگذاریم، سپس آنچه را که باعث تمایزشان میشود مشخص کنیم، و بعد از آن، بیاییم رو اینکه آن وجه‌تمایز سخن ادبی، از چه مولفه هایی تشکیل میشود.
بیان، بدیع، و معانی. سه علمی که هرکدام به شکلی و در حوزه ی خاصی سخن ادبی را از سخنان دیگر متمایز میکند. اما آنچه ما درین متن باهاش کار داریم، علم بیان است، که از تشبیه، استعاره، مجاز، و کنایه تشکیل میشود. و از بین همینها هم تمرکزمان بر کنایه است. ولی پیش از تعریف کنایه نیاز داریم مقدمه ای کوتاه از همین علم بیان بگوییم. علم بیان در همان چهار حوزه یا مولفه اش، دارای امری یکسان است. چه امری؟ امری که باعث میشود ما با چیز-چیزهایی بیشتر و یا فرای آن معنای ابتدایی و معمول آن، روبرو شویم. این میتواند در تشبیه باشد، که ما از یک مشبه، و نسبت مشبه‌به به آن، بین دو چیز شباهت برقرار کنیم و امری مشترک بینشان پیدا کنیم، و باعث شود که مشبه، و مشبه‌به، و ارتباط بین هر دوی آنها، از آنی که در روزمره به کار میبریم یا حتی به چشممان نیامده است، گسترده تر شود، یا میتواند با استعاره، تمامی اجزای تشبیه را حذف کنیم و با یک کلمه-عبارت، معنایی به کلی متفاوت از آنی که میگوییم در نظر داشته باشیم. مثل استعاره ی کهن-کلیشه ای ماه، که لازم نیست بگوییم فلانی شبیه ماه است و با یک کلمه، منظورمان فهمیده میشود که یعنی فلانی خوشگل است یا زیبایی او به ماه شبیه است. و یا در مجاز، نیازی نیست وقتی میگوییم دستم برید، فکر کنیم که دستمان از بیخ و بن کنده شده، و سریع متوجه خراش یا جراحتی مثلا کوچک در بخشی از دست میشویم. و به عبارتی تمامی این تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه، وسیله ای هستند برای اینکه ما به گونه ای دیگر یا نگاهی متفاوت یا با خلاقیت، از اموری که برایمان تکراری، تک بعدی، یا صریح شده، یا از شدت استفاده، ما حتی نیازی به فکر کردن یا دقت کردن بهش نداریم، جدا شویم، و با دیدی دیگر یا اندیشیدن به گونه ای دیگر، باهاش مواجه شویم، و باعث شود که از فکر-زبانمان، آشنایی زدایی شود. امری که باعث میشود از تکرار و انجماد و کلیشگی دور شویم، و روند-جریانی زنده پدیدار شود. و خب تمام اینها بدون خلاقیت ممکن نیست. چه در ادبیات باشد چه در باقی هنرها. و صرفاً در همین بیان و بدیع و معانی هم خلاصه نمیشود. حتی در خود ادبیات. ولی اگر دقیقتر نگاه کنیم، گاهی با ساختار یا الگوهایی مواجه میشویم که بر بستر همان مواد بنا شده اند بدون اینکه حتی شکلی از آنها به چشم بیایید یا بستر و کاربرد متداولشان را داشته باشند. از بین این موارد، گفتم که میخواهیم رو کنایه تمرکز کنیم. اما چرا کنایه و یا چطور کنایه همچین اهمیتی پیدا میکند؟ جمله یا عبارتی است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نیست، ولی قرینه یا نشانه ای هم برای آن معنای دوم، یا مرادِ اصلی-باطنی گوینده وجود ندارد. تفاوتش با استعاره در این است که غالباً استعاره در یک واژه یا عبارت مختصر و موجز بیان میشود، ولی کنایه معمولا در قالب یک جمله یا عبارت تقریبا کامل بیان میشود. مثلا جمله ای چون «آب از دستش نمیچکه.» معنای اولیه ش اینست که کسی آنقدر دستش را سفت نگه میدارد که آبی که تو دستش-مشتش بوده، خارج نمیشود و نمیریزد از آن، ولی معنای دوم یا باطنی آن، که منظور گوینده است، اینست که آن فرد فرد خسیسی است. یا طماع است و دندان گرد. در حالی که همین دست، در ساختاری دیگر، میتواند مجاز باشد یا استعاره. مثلا: دستِ مرگ، استعاره میشود چون ما مرگ را به انسانی تشبیه کَرده ایم که دست و پا و بدن دارد، و عضوی از آن انسان، یعنی دستش، میشود دست مرگ و استعاره. ساختار تشبیهی آن میشود این که مرگ مانند انسان است، مرگ مشبه، انسان مشبه‌به، مانند، ادات تشبیه، و وجه شبه ذکر نشده برایش. یا عبارتِ دستِ محبت، تشبیه است، به این شکل که ما محبت را، مانند یک دست ذکر کرده ایم، مثل همچه چیزی: دست محبتش را بر سرم کشید. یا آن مثال بریدن دست هم، که در بالاتر گفتم، میشود مَجاز. ولی چرا گفتم که میخواهیم رو کنایه تمرکز کنیم؟ یکی از دلایلش اینست که ساختار کنایی دارای دو معناست، و با این وجود که یکی از آن معانی مورد نظر گوینده است، اما همچنان آن معنی اولیه یا ظاهری یا قاموسی نیز معنی میدهد. همچنان اما تفاوت دیگری را باید ذکر کنیم و آن اینست که ایهام یا ایهام تناسب، همچنان مانند استعاره در اسم یا فعل، رخ میدهد و در ایهام، هر دو معنی صحیح است و در تناسب، یکی از معانی، ولی همچنان ما به ساختار گسترده تری نیاز داریم، ساختاری که از یک تصویر یا احساس صرف فراتر برود، و شامل مفهوم یا مضمون باشد، شامل ایده یا قضیه. چیزی که از صرف ادبیات و ادبی بودن فراتر برود. سریالِ چگونه با مادرتان آشنا شدم، سریال طنزی است در نه فَصل، که در جاهایی ازین ساختار کنایی استفاده میکند. چگونه؟ به این شکل که مثلا در صحنه ای، رابین برای عروسی لیلی کادویی خریده، و فکر میکرده در مراسمی که میآیند و کادو میدهند به لیلی، همه جوان هستند و هرکسی هم سعی میکند کادوی خاصی به لیلی بدهد، برای همین یک اسباب بازی جنسی کوچک برایش میخرد ولی وقتی وارد مهمانی میشود میبیند باقی زنانی که آمده اند، همه یا سنشان خیلی بالاست یا فک و فامیل لیلی هستند و همه موجه اند و کادوهاشان رسمی و جدی است، وسایل خانه است یا لباس یا همچه چیزهایی. رابین که نمیخواهد ضایع شود و بقیه حین بازکردن کادوها بفهمند که همچین چیزی را برای لیلی آورده، میرود و کاغذی را که اسم خودش را روی آن نوشته بوده و رو جعبه ی کادو زده بوده، با کاغذ اسمی دیگر و کادویی دیگر عوض میکند. کادویی که جعبه و کاغذکادوش، شبیه مال خودش است. اما وقتی نوبت کادوی خودش، که حالا اسم کسی دیگر رویش آمده می‌رسد، میفهمد این کادوی مادربزرگ لیلی است و مادربزرگش هم قبل بازکردن کادو کلی صحبت میکند ازین که این وسیله ای است که نسل به نسل در خانواده ی ما چرخیده و خودم همیشه ازش استفاده میکردم و خیلی دوستش دارم و غیره و غیره. حالا کادوی اصلی مادربزرگ چه بوده؟ یک چرخ خیاطی کوچک. و او داشته درباره چرخ خیاطی صحبت میکرده، ولی حرفهایش به اسباب بازی جنسی هم میخورد. چون فقط مای مخاطب میدانیم که داخل کادو چیست و میدانیم که مادربزرگ نه درباره ی آن وسیله، بلکه درباره چرخ خیاطی دارد صحبت میکند، ولی تا پیش از آن که کادو باز شود و مشخص شود که توش چه بوده، آن صحبتها و دیالوگها، به مثل کنایه عمل میکنند: معنای ظاهری جملات یک چیز است ولی منظور باطنی یک چیز دیگر است. یا در صحنه ای دیگر لیلی میخواهد برای مارشال، شوهرش، که در باشگاه اداره شان، شلوارش گم شده، شلوار ببرد. لیلی آمده توی ساختمان اداره و بارنی - دوست مشترک خودش و مارشال را میبیند - حالا لیلی



میگوید که باید چیزی را ببرد و به مارشال سریع تحویل بدهد، و بارنی که همیشه دنبال فانتزی است، آن چیز و آن تحویل دادن را، اشتباه متوجه میشود. حالا لیلی میگوید مارشال نمیتواند بیشتر ازین صبر کند، و بارنی یک چیز دیگر میفهمد، بعد لیلی میگوید که میتواند به جای مارشال آن چیز را به بارنی بدهد تا بارنی به او تحویل بدهد، و اینجاست که اول بارنی خوشحال میشود و بعد اما تعجب میکند که چطور میشود این کار را انجام دهد؟ در اینجا هم قصد لیلی یک چیز است و قصد بارنی یک چیز، هم ما متوجه منظور لیلی میشویم و هم بارنی، ولی اینکه نشانه و قرینه ای در آن موقعیت به مخاطب داده نمیشود، باعث ساخت صحنه ای میشود که هر دو معنا را مخاطب برداشت میکند ولی انتهای آن، یکی از آن معانی درست است و جور درمیآید: رابین تو مهمانی میگوید که جای کادوها را عوض کرده و بارنی میفهمد که لیلی آمده تا شلوار بیاورد برای مارشال. با این وجود، این ساختار، ساختار کنایی میشود؛ که هر دو معنی و منظور درست است، در لحظه ی برخورد دو منظور، قرینه و نشانه ای برای منظور اصلی–باطنی نداریم، ولی در انتها معنا و قصد اصلی گوینده مشخص میشود. انگار که ما با کنایه ای مواجهیم که یکی معنی ظاهری را متوجه شده و یکی معنی باطنی را مدنظر دارد، و این دو نفر دارند بر سر معنی فهمیده شده از سمت خودشان صحبت میکنند، هر دوی معانی درست است، تا حینی که میفهمیم معنی باطنی چیست. این شکل اول کنایه در ساختار روایی. شکل دوم کمی متفاوت است. میتوانیم برای توضیحش از دوتا از استندآپ های آدام سندلر مثال بزنیم. آدام سندلر در استندآپ صددرصد تازه، و عاشقتونم، چه در جوک های عادیش َو چه در شعرهای طنزی که با موسیقی همراه میشود و واقعا هم جالب و جذابند، آن ساختار روایی کنایی ای را که ازش گفتیم، سندلر به مسیر جدیدی میبرد. به مسیری که، یا: ابتدا روایتی را تعریف میکند، سپس در انتهای روایت، که مانند اوج یا گره گشایی در داستان است، تمام قصد و مسیر روایت را تغییر میدهد. که همان انتهای روایت یا جمله ی آخر – که قرارست به قهقهه و اوج جوک هم برسد – با تغییر کوچکی، تمامی مقدمات و روایتی را که تا پیش ازین گفته، زیر و رو میکند. مثلا تعریف میکند که فلان دختر در باغ ایستاده بود و موهام فلان شکل بود و صورتش فلان شکل و فلان لباس تنش بود و غیره و غیره – و تمام آن توصیفات و روایتها هم خنده دار است البته – و یکهو انتهاش میگوید که بله من هم منتظر بودم صرفا روش را برگرداند تا بهش حمله کنم و بکشمش، چون من همون قاتل روانی معروفم. و چه اتفاقی میفتد؟ اینکه تا قبل از جمله ی آخر، تمام روایت عاشقانه و رمانتیک احساس میشد و فهمیده میشد، ولی جمله ی آخر همه چیز را عوض میکند و تبدیل میکند به کمدی سیاه یا ماجرایی خشونت آمیز و جنایی. این، به نوعی همان مورد اولی است که ازش گفتیم، ولی سندلر صرفا به همین رویه بسنده نمیکند، بلکه روایت را به جایی میرساند که هر دو برداشت و معنا کاملا درست جلوه کند: دو پدر خانواده که زن و بچه هایشان را به دیزنی لند برده اند، هنگامی که میخواهند سوار ترن هوایی شوند بعد از کلی در صف منتظربودن، میفهمند که در هر ترن و اتاقکش دو–سه نفر بیشتر جا نمیشوند و زن و بچه هاشان بدون توجه به اینها بلیط میخرند و سوارش میشوند، این دوتا پدر هم تصمیم میگیرند باهم بلیط بخرند و دوتایی سوار شوند، بعد در ترن، حالات و شوخی ها و رفتارهایشان به شکلی که سندلر توصیف میکند، رمانتیک یا عاشقانه میشود، ولی هرچقدر بحث عشق یا همجنس گرایی مطرح باشد، همانقدر هم تنهایی و افسردگی دو مرد خانواده مطرح است، و با پایانی که هر دو جدا میشوند و میگویند خوش گذشت بهمان، ما هم معنای شوخی جنسی را میتوانیم در قالب آن روایت درست بدانیم و هم معنای تاریک و تنهاییش را. در حالی که میشد مانند شکل اول، با یک دیالوگ سوگیری متن و نتیجه گیریش مشخص شود که یا گرایششان را اصل بدانیم یا افسردگی و تنهاییشان را. ولی چگونگی روایت، و موضوع و بستری که انتخاب شده و میشود، حامل دو معناست و هر دو را، در برمیگیرد – و این امر تماما متفاوت است با پایان باز در برخی از فیلمها و کتابها، چون در پایان باز، مخاطب میتواند انتخاب کند یا حدس بزند پایان داستان یا امکانات داستانی را، و ممکن است درست باشد یا غلط یا صرفا نسبی باشد و در حد حدس و احتمال، ولی در شکل دوم ساختار روایی کنایی، هردوی این امکانات همزمان درست هستند. یا برای فهم بهتر فرض کنید همان مثال قتل و عشق و دختری که در بالاتر گفتم، به شکلی روایت میشد که هم قاتل بودن طرف درست بود هم عاشق بودنش. یا مثالی دیگر اینکه سندلر ازین میگوید که با ماشینی برقی تصادف میکند و ماشین شروع میکند به حرف زدن با او، ما میتوانیم صحبت ماشین را جانبخشی فرض کنیم، ولی در جهان روایی سندلر و آن بستر، صحبت با ماشین، هم میتواند فی نفسه کنایه باشد به وضعیتی مدرن و علمی، و هم هپروتی ذهنی. در حالی که نمیتوانیم ارجحیت به این یا آن بدهیم ما. حالا ممکن است این شکل دوم روایی به شکل دیگری هم بررسی شود. به شکلی که ما از ایهام تناسب یا استخدام نام ببریم، و بگوییم اینها کنایه نیست و همان ایهام تناسب است در بیان – که شمیسا ایهام را در علم بیان بررسیش میکند – یا صنعت استخدام، که به معانی مربوط میشود. ایهام تناسب بدین شکل است که یک واژه با وجود داشتن دو معنا در یک ساختار، به علت وجود قرائنی مشخص و موجه، صرفا یک معنایش درست محسوب میشود و با معنای دیگرش، آن ساختار معنی نمیدهد و جاگیر نمیشود توش. و در استخدام، یک اسم یا صفت یا فعل، هم برای جمله یا عبارت پیش از خودش است و هم بعد از خودش، مثالش را از ترَک مستقل فدایی میگویم: سرت بی کلاه مونده، چاییدی، خورده باد هنر بهت. چاییدی، هم برای بی کلاه ماندن است: سرت بی کلاه مانده است و چاییدی. و هم برای باد هنر: چاییدی چون باد هنر بهت خورده است. اما چه ایهام تناسب و چه استخدام، به این علت که در لفظی جزئی و کوتاه خلاصه میشوند و علی الخصوص ساختار روایی و توضیحی ندارند، نمیتوانند جایگزین کنایه شون. اما میرسیم به سوال دیگری: اینکه وقتی یک روایت، با نماد یا سمبل و استعاره و نشانه های بدین شکل همراه میشود، و بنای روایت بر اساس اینها شکل میگیرد، درین حین هم آیا ما ساختار روایی کنایی داریم یا نه. مثلا مادر ساخته آرونوفسکی، داستانی تماما نمادین است، و میخواهد کل خلقت و بشریت را در آن داستان نمایش دهد، و داستان در ظاهر ماجرای مرد و زنی است و تولد کودکشان و غیره، ولی نشانه ها و نمادهای داخل فیلم، مرد را تبدیل به خدا، زن را جهان یا طبیعت، و کودک را انسان یا مسیح تعریف میکنند یا میخواهند معرفی کنند. با این وجود، با توجه به سبک و ژانر و ساختار خود آن داستان، شاید بگوییم که اصل و اساس داستان بر پایه ی معنای باطنی و ضمنی بنا شده و کنایه ای در کار نیست، ولی آیا مخاطبی که هیچی از ژانر و مکتب و سبک فیلم نمیداند، آیا نمیتواند همان ماجرای ساده ی زن و مرد و کودک را، کل داستان فیلم تعبیر کند؟ چرا، ممکن است. منتهی کل بحث و اهمیت موضوع در این است که همزمان هر دوی معانی موجود، درست در یک لحظه فهمیده و درک شوند. انگار که ما در موقعیتی باشیم که بگوییم در خانه ی فلانی همیشه باز است و سفره ش گشوده و پهن، و کنایه از مهمانداری و دست و دلبازی و بخشنده بودن آن فرد باشد حرفمان، منتهی اگر واقعا همان لحظه در خانه ی طرف هم باز باشد و مهمانی داده باشد، آن موقع هم معنی ظاهری حرف–کنایه ی ما درست است: در باز و مهمانی دادن، و هم معنای ضمنی ای که مساوی بخشندگی و دست و دلبازی آن فرد است. و اگر مسخره نباشد برایتان، تمام اینها مقدمه بود، برای فیلم ایرانی خرگیوش. خرگیوش داستان یک روز سه تا دوست است و جنس زدنشان و ماجراهای اندکی که تو آن نشگی برایشان اتفاق میفتد. اما خیلی خیلی قبلتر از تخیل، خلاقیت، ادبی شدن و سینمایی شدن، ساختار روایی کنایی، و هرچیز دیگری که گفتیم، خرگیوش هیچ حرفی برای گفتن ندارد و حتی برای سرگرمی و لذت لنگ میزند. هر ابهام یا نماد یا تشابه به چیزی دیگر، و یا مثلا از چیزی گفتن ولی چیزی دیگر را قصد کردن، مساوی کنایه و مجاز و استعاره نیست. و این نیست که از هر ابهام و ایهامی بشود کرور کرور احساس و معنی تفسیر کنیم. اگر قرارست تفسیر و برداشتی از اثری داشته باشیم، آن باید بر نشانه ها و جزئیات و تمامی ساختار و فرم آن اثر باشد، که از جز به جز تا کلیت کل انسجام آن اثر و متن را، به شکلی پویا و بر هم اثرگذار، میسازد یا ساخته است. جز این، چیزی نمیشود گفت. انگار کنید که یک اثر یک ساختمان است و تمامی اجزای سازنده ی آن بنا، به شکلی که دقیقا درست کار کنند باعث این شده اند که آن ساختمان ساخته شود و سر پا بماند. ولی اینکه طرح گنگ و سرسری ای نقشه ساختمانی بی اصول و بر پایه ی فانتزی از خودمان دربیاوریم و توقع ساخت و اجرای آن را داشته باشیم فقط به بیراهه رفته ایم. همین. با اینکه بیشتر و دقیقتر باید بگوییم، ولی فعلا همین. همین، و همین.

گلستان به‌دنبال سرمایه‌گذاری برای مهار تورم و ایجاد اشتغال است

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با دعوت از سرمایه‌گذاران برای حضور در این استان گفت: جذب سرمایه‌گذاران بزرگ علاوه‌بر کمک به کنترل بخشی از تورم زمینه افزایش اشتغال و ماندگاری نیروی کار جوان در استان را فراهم می‌کند.به گزارش روابط عمومی،عبدالعلی کیانمهر در همایش روز جهانی غذا و تقدیر از واحدهای غذایی برتر گلستان با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری استان اظهار کرد: از همه افرادی که در حوزه سرمایه‌گذاری فعالیت دارند دعوت می‌کنیم گلستان را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنند. وی افزود: گلستان آمادگی دارد تسهیلات و امکانات لازم را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد تا با اطمینان خاطر فعالیت اقتصادی خود را در این استان آغاز کنند. وی با بیان اینکه بخشی از مشکلات اقتصادی استان به کمبود سرمایه‌گذاری‌های بزرگ بازمی‌گردد، افزود: تاکنون سرمایه‌گذاران بزرگ به اندازه ظرفیت‌های موجود در گلستان حضور پیدا نکردند و همین موضوع در کنار سایر عوامل، موجب شده نرخ تورم استان نسبت به برخی استان‌های دیگر بالاتر باشد.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان ادامه داد: ورود سرمایه‌گذاران بزرگ و تزریق منابع مالی بیشتر به بخش‌های اقتصادی می‌تواند به کنترل بخشی از تورم و بهبود وضعیت اشتغال کمک کند تا جوانان استان برای دستیابی به درآمد و فرصت‌های شغلی ناچار به مهاجرت به استان‌های دیگر یا کشورهای همسایه نباشند.کیانمهر با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای تسهیل سرمایه‌گذاری در گلستان گفت: در زمینه بهبود شرایط و فراهم کردن بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری اقدامات



خوبی انجام شده که می‌تواند مسیر فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاران را هموار کند.وی با اشاره به موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های تجاری استان، مرز اینچه‌برون و منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون را از مزیت‌های مهم گلستان برشمرد و یادآور شد: این استان به دلیل برخورداری از مرز و قرار گرفتن در مسیر ارتباطی با کشورهای آسیای میانه، ظرفیت مناسبی برای توسعه تجارت و صادرات دارد.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان از برگزاری اکسپو ۲۰۲۶ در ۲۴ آذرماه در استان خبر داد و گفت: این رویداد فرصت مناسبی برای معرفی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های صادراتی گلستان به کشورهای آسیای میانه و همچنین معرفی قابلیت‌های اقتصادی کشورمان در عرصه تجارت بین‌المللی خواهد بود.کیانمهر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سهم قابل توجه کشاورزی در اقتصاد گلستان تصریح کرد: گلستان گرفتار مشکل خام‌فروشی است و حدود ۷۰ درصد درآمد استان از بخش کشاورزی تامین می‌شود و با توجه به این جایگاه، افزایش بهره‌وری در این بخش از ضرورت‌های توسعه اقتصادی استان است. وی با اشاره به ظرفیت تولید محصولات کشاورزی و دامی در گلستان خاطرنشان کرد: روزانه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ تن مرغ از این استان به تهران ارسال می‌شود که با توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری می‌توان ارزش افزوده بیشتری از این ظرفیت تولیدی ایجاد کرد.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان با تاکید بر ضرورت جلوگیری از خام‌فروشی محصولات کشاورزی ادامه داد: یکی از رویکردهای مورد توجه، ساماندهی و مدیریت هدفمندتر واحدهای مرغداری و تقویت فرآوری محصولات تولیدی استان است چرا که با تکمیل زنجیره تولید و ایجاد صنایع فرآوری، امکان افزایش اشتغال، ارتقای بهره‌وری و افزایش سود و درآمد تولیدکنندگان فراهم می‌شود. کیانمهر خاطرنشان کرد: توسعه فرآوری محصولات کشاورزی در داخل استان علاوه‌بر ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر موجب می‌شود ارزش اقتصادی تولیدات در خود گلستان باقی بماند و تولیدکنندگان نیز از منافع بیشتری برخوردار شوند.وی با اشاره به جایگاه گلستان در تامین امنیت غذایی کشور اظهار کرد: استان گلستان ۳۸ روز امنیت غذایی کشور را تامین می‌کند و این ظرفیت نشان‌دهنده اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد استان است. با توجه به سهم قابل توجه کشاورزی در درآمد گلستان افزایش بهره‌وری و توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی باید مورد توجه قرار گیرد.

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۱۳۷ مورخ ۱۴۰۵.۰۶.۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۵۲۲ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی امید میرابی فرزند حلیم شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۷۰۰۲۴۵۸۸ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۹۳.۹۵ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۳۵۷ فرعی از چهار اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه مرتع شوره زار، بخش ۷ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی آناقربان میرابی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: دوشنبه: ۱۴۰۵.۰۷.۲۷

تاریخ انتشارنوبت دوم: سه شنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۱۲

احمد نبویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ازطرف علی برقی م الف:۷۷۷

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۴۹۷۴ مورخ ۱۴۰۵.۰۷.۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۰۸۲ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آق اویلی کر فرزند خداوردی شماره شناسنامه ۶۷۸۷ کدملی ۴۹۷۹۳۶۱۶۷۶ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۷.۵۵ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۰۳۴ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در آق قلا، قریه چن سبلی، بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا سهمی مالک از (سند مالکیت مشاعی) و از سهمی مالک رسمی یول گلدی عبایی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول :سه شنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۱۲

تاریخ انتشارنوبت دوم: چهاشنبه: ۱۴۰۵.۰۸.۲۷

احمد نبویان- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف:۸۲۲

آگهی فراخوان خرید واحدهای تکمیل شده و آماده عرضه به بازار متعلق به بخش خصوصی

اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان در نظر دارد

در راستای دستورالعمل اجرایی ماده ٦ بسته مدیریت بازار و اجاره از مصوبات بیستمین جلسه شورای عالی مسکن مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۲۴ در خصوص معاوضه املاک و دارایی های وزارت راه و شهرسازی با واحدهای تکمیل شده و اماده عرضه به بازار متعلق به بخش خصوصی با تهاتر با زمین اقدام نماید.

شرایط شرکت در ارزیابی:

داوطلبین باید دارای پروانه صلاحیت ساخت مسکن از مراجع ذیصلاح باشند.

سایر شرایط در اسناد درج شده است.

- زمان و مهلت دریافت اسناد فراخوان: متقاضیان بایستی جهت دریافت اسناد فراخوان از تاریخ انتشار این آگهی تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: در سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۲ خواهد بود.

- بازگشایی پیشنهادها: بازگشایی و بررسی اسناد ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ در محل ساختمان شماره یک اداره کل واقع در آدرس فوق می باشد.

-حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی ۵۰ امتیاز میباشد که پس از کسب امتیاز لازم از واجدالشرایط برای طی مراحل بعدی دعوت بعمل می آید.

-کلیه مراحل دریافت اسناد و برگزاری فراخوان در سایت ستاد انجام خواهد شد.

- شرکت در فراخوان بمنزله قبول کلیه مفاد و شرایط مندرج درقانون برگزاری مناقصات،آیین نامه های اجرایی آن، آیین نامه معاملات دولتی و کلیه بخشنامه های صادره وزارت مسکن و شهرسازی دراین خصوص می باشد.

-برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.setadiran.ir مراجعه یا باشماره تلفنهای ۳۲۲۲۵۵۹۴-۳۲۲۴۴۳۷۱-۰۱۷ (اداره پیمان ورسیدگی) تماس حاصل فرمایید.

اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان – شناسه آگهی ۲۳۱۶۳۵۶

اسکرین‌شات تله‌ای برای تنبلی حافظه

اسکرین‌شات گرفتن از نکات آموزشی، دستورهای پخت یا مطالب مهم به یکی از عادت‌های روزمره ما تبدیل شده است. پژوهش‌های جدید روان‌شناسی زنگ خطر را به صدا درآورده و نشان داده‌اند که این عادت رایج برخلاف تصور عموم، کمکی به حافظه نکرده و احتمال فراموش کردن مطالب را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. به گزارش ایرنا زندگی،چند بار تا به حال از یک دستور پخت جذاب، یک نکته مهم درسی یا صفحه‌ای از یک مقاله با این فکر که بعدا سر فرصت می‌خوانمش اسکرین‌شات گرفته‌اید اما آن عکس تا ابد در گالری گوشی‌تان خاک خورده و هرگز به سراغش نرفته‌اید؟

حقیقت این است که گالری‌های دیجیتال گوشی همراه ما به آرامگاهی از تصاویر فراموش‌شده تبدیل شده است. بر اساس برآوردها، هر فرد به‌طور میانگین روزانه حدود ۲۰ عکس می‌گیرد و نزدیک به ۲۰۰۰ تصویر در گوشی خود ذخیره دارد. نشریه نیویورک پست در گزارشی با تکیه بر پژوهش‌های جدید دانشگاه بینگهمتون عنوان کرده که این اسکرین‌شات‌های انباشته‌شده کمکی به ما نکرده و مغز ما را در به خاطر سپردن اطلاعات تنبل‌تر و ضعیف‌تر بار می‌آورند.

اثر تضعیف کننده عکاسی چیست و چگونه عمل می کند؟

مطالعات صورت گرفته بر روی حافظه و شناخت و اثر تضعیف کننده عکاسی نشان میدهد که ثبت تصویر در حین تجربه یک رویداد، حافظه انسان را نسبت به آن اطلاعات تضعیف می‌کند. پژوهشگران مجموعه‌ای از هفت آزمایش را برای بررسی این موضوع انجام دادند. در این آزمایش‌ها، دانشجویان به تماشای آثار هنری پرداخته و از برخی از آن‌ها اسکرین‌شات ثبت کردند. نتیجه نشان داد که؛ افراد، تصاویری را که از آن‌ها اسکرین‌شات گرفته بودند، بسیار ضعیف‌تر از تصاویری به خاطر می‌سپردند که صرفا با چشم تماشا کرده بودند. عجیب‌تر اینکه شرکت‌کنندگان حتی به یاد نمی‌آوردند که دقیقا از کدام آثار اسکرین‌شات تهیه کرده یا نکرده‌اند. این پدیده معمولا در مواردی رخ می‌دهد که فرد پس از ثبت تصویر، دیگر به آن مراجعه نمی‌کند. اگر از عکس‌ها فعالانه برای بازیابی و مرور خاطرات استفاده شود، می‌توانند به ماندگاری کمک کنند اما انباشتن تصاویر بدون مرور، اثر کاملا معکوس دارد. مطالعه‌ای دیگر نیز نشان داده است که اگر تصاویر به‌صورت خودکار مثلا توسط دوربین‌های ثبت وقایع ثبت شوند، حافظه دچار اختلال نمی‌شود و خود عمل ارادی و فشردن دکمه ثبت است که باعث تضعیف حافظه می‌شود.



مطالعه‌ای دیگر نیز نشان داده است که اگر تصاویر به‌صورت خودکار مثلا توسط دوربین‌های ثبت وقایع ثبت شوند، حافظه دچار اختلال نمی‌شود و خود عمل ارادی و فشردن دکمه ثبت است که باعث تضعیف حافظه می‌شود

رابطه اسکرین‌شات‌ها با فراموشی دیجیتال

برای درک این پدیده باید مکانیسم های روان‌شناختی زیر را در کنار هم بررسی کرد:

تقسیم توجه: عمل ثبت یک تجربه، بخشی از منابع شناخت مغز را که در حالت عادی باید صرف رمزگردانی یعنی ثبت و پردازش عمیق اطلاعات شود، به خود اختصاص می‌دهد. البته حتی زمانی که زمان بیشتری به افراد داده شد یا ثبت عکس آسان‌تر گردید، باز هم این نقص حافظه مشاهده شد.

تخلیه شناختی: نظریه‌ای که می‌گوید وقتی می‌دانیم اطلاعات در جای خارجی مثل حافظه گوشی ذخیره شده است، مغز از تلاش برای به خاطر سپردن آن‌ها دست می‌کشد این درست مشابه فراموش کردن شماره تلفن‌ها پس از ذخیره در بخش مخاطبین عمل میکند. جالب اینجاست که در آزمایش‌ها، حتی وقتی به شرکت‌کنندگان گفته شد تصاویر بلافاصله حذف می‌شوند، حافظه آن‌ها باز هم مختل ماند.

عدم مشارکت توجه: عمل گرفتن عکس یا اسکرین‌شات باعث می‌شود که ما به‌طور ناخودآگاه از تجربه اصلی و لحظه حال فاصله بگیریم و این فاصله فراتر از اطلاعات ثبت‌شده، به زمینه وسیع‌تر رویداد نیز گسترش پیدا می‌کند.

فرار از تله دیجیتال با قلم و کاغذ

این تحقیقات هشدار می‌دهد که ما احتمالا با فشردن یک دکمه، به حافظه‌ی خود در به‌خاطر سپردن اطلاعات و تجربیات آسیب می‌رسانیم و این نقص ممکن است حتی فراتر از آنچه ثبت می‌شود، گسترش یابد. برای فرار از این چرخه معیوب، کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که اگر واقعا می‌خواهید مطلبی را به خاطر بسپارید، روش سنتی را امتحان کنید. یک قلم و کاغذ بردارید و یادداشت‌برداری کنید.نوشتن دستی، مغز را مجبور می‌کند اطلاعات را به صورت ساختاریافته پردازش کند. این تلاش ذهنی که در روان‌شناسی به آن دشواری مطلوب می‌گویند، مغز را وادار به تفکر کرده و ماندگاری اطلاعات را در حافظه بلندمدت تضمین می‌کند. اسکرین‌شات گرفتن تنها زمانی مفید است که بسیار هدفمند باشد و تصاویر معدودی بگیرید که واقعا بعدا آن‌ها را فعالانه مرور می کنید.

آگهی مزایده اموال منقول تملیکی بانک سپه استان گلستان به‌شماره ۷۴۳/۱۴۰۵/۴ (نوبت دوم)

بانک سپه در نظر دارد

اموال منقول تملیکی مازاد (تجهیزات و ماشین آلات نجاری) خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی www.setadiran.ir و با شماره مزایده ۱۰۰۵۰۹۲۳٤۰۰۰۰۰٤ بصورت الکترونیکی واگذار نماید.

*** تاریخ انتشار آگهی در سامانه ستاد: ساعت ۸:۰۰ روز یکشنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۱۰**

*** آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده: ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۱٦**

*** آخرین مهلت ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز سه شنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۲٦**

*** تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهادی : ساعت ۸:۰۰ صبح روز چهارشنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۲۷**

*** زمان بازدید: از ساعت ۸:۰۰ صبح روز یک شنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۱۰ لغایت ساعت ۱۲:۰۰ روز سه شنبه به تاریخ ۱٤۰۵/۰۸/۲٦ واقع در شهرک صنعتی آزادشهر (بازدید همه روزه به جز ایام تعطیل مقدور می باشد).**

نحوه فروش: نقدی

*** لطفاً به اصلاحات احتمالی انجام شده در آگهی نوبت دوم مزایده حاضر که درسایت بانک سپه به نشانی الکترونیکی www.banksepah.ir مندرج می گردد و تا پایان مهلت ارائه پیشنهادات قیمت ملاک عمل می باشد توجه فرمایید.**

توضیحات و شرایط: ۱-مزایده‌گران به منظور بازدید از اموال منقول مورد نظر در مزایده می‌توانند پس از خرید اسناد، با جناب آقای لولایی شماره تلفن ۳۱۵۷۸۵۵۰-۰۱۷ هماهنگی لازم به عمل آورده و سپس مراجعه فرمایند.

۲-بانک در قبول یا در رد یک یا تمامی پیشنهادات در هر مرحله مختار می باشد.

۳-کلیه اموال عرضه شده در مزایده با وضع موجود به فروش می رسند.

٤-کلیه هزینه های حمل و جابجائی بر عهده خریدار می باشد.

۵-شرکت در مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.

٦-علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) بادفتر ثبت نام سامانه ستاد به شماره تلفن ۱٤۵٦-۰۲۱ تماس و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند. کلیه اطلاعات موردنظر شامل مشخصات، شرایط ونحوه فروش دربرداعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی وانتخاب می باشد.

بانک سپه – مدیریت شعب منطقه گلستان – شناسه آگهی ۲۳۱۵۱۵۲

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
Email:golshanemehr۱@yahoo.com

» صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan۴۸@gmail.com

» مدیرمسوول: مریم قرآنی
» سردبیر: محمد جواد مکتبی
» نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵ تلفن: ۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۳۲۲۵۱۳۱۶ـ۰۱۷
» چاپ: افست گلشن مهر

گلشن مهر

سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۴۰۵/ سال بیست و هشتم/ شماره ۳۲۸۵

قطب کشاورزی ایران در محاصره چالش‌های تولید

گلستان به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی کشور، در آستانه کشت ۶۹۰ هزار هکتار محصول پاییزه با مجموعه‌ای از چالش‌های تولید از کمبود و گرانی نهاده‌ها و سهمیه ناکافی سوخت تا محدودیت نقدینگی، افزایش هزینه‌های کشت و ابهام در قیمت‌گذاری محصولات روبه‌رو شده که این مشکلات در کنار تهدید صرفه اقتصادی فعالیت کشاورزان، پایداری تولید و جایگاه این استان در تامین امنیت غذایی کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است. به گزارش ایرنا، گلستان با حدود ۷۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی، نزدیک به ۲۰۰ هزار بهره‌بردار کشاورزی و تولید سالانه میلیون‌ها تن محصول یکی از مهم‌ترین قطب‌های کشاورزی و پشتوانه‌های امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود و به گفته مسوولان به تنهایی غذای مورد نیاز کشور را برای ۳۸ روز تامین می‌کند و حدود ۷۰ درصد درآمد آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به بخش کشاورزی وابسته است. با وجود این جایگاه و ظرفیت چشمگیر تولید، سهم کشاورزان گلستانی از این رونق به اندازه نام و اعتبار کشاورزی استان نیست. بخش قابل توجهی از بهره‌برداران همچنان در تامین هزینه‌های کاشت، داشت و برداشت با دشواری مواجه‌اند و افزایش قیمت نهاده‌ها، کمبود نقدینگی، محدودیت سوخت و آب و ابهام در بازار فروش، فاصله میان حجم تولید و عایدی واقعی کشاورزان را بیشتر کرده است که این فاصله نه‌تنها معیشت تولیدکنندگان، بلکه پایداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی گلستان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در آستانه سال زراعی جدید و همزمان با برنامه کشت حدود ۶۹۰ هزار هکتار محصول پاییزه از جمله ٤٦٠ هزار هکتار گندم، دغدغه کشاورزان فراتر از آماده‌سازی زمین و انتخاب بذر است. آنها نگرانند نهاده‌های مورد نیاز در زمان مناسب تامین نشود، سهمیه سوخت پاسخگوی فعالیت مزارع نباشد و درآمد حاصل از فروش محصول، کفاف هزینه‌های روزافزون تولید را ندهد. روایت کشاورزان و فعالان این بخش از آغاز فصل کشت از انباشت مشکلاتی حکایت دارد که از تاخیر در پرداخت مطالبات گندم و کمبود کودهای فسفاته و پتاسه تا گرانی نهاده‌های دامی، محدودیت تامین بذر، سهمیه ناکافی سوخت و بلاتکلیفی نرخ خرید تضمینی محصولات را در بر می‌گیرد. در کنار این مسائل، کاهش منابع آب، محدودیت استفاده از چاه‌های کشاورزی و وابستگی بخشی از تولید به شرایط جوی، برنامه‌ریزی برای کشت و دستیابی به محصول اقتصادی را دشوارتر کرده است. در مقابل، متولیان بخش کشاورزی از وجود ذخایر نهاده، برنامه‌ریزی برای توزیع سوخت متناسب با الگوی کشت و پیگیری تامین نیازهای تولیدکنندگان سخن می‌گویند با این حال فاصله میان آنچه در برنامه‌های تامین و توزیع پیش‌بینی شده و آنچه کشاورز در مزرعه با آن مواجه است همچنان یکی از پرسش‌های اصلی کشت پاییزه گلستان به شمار می‌رود.

کمبود کودهای شیمیایی و گرانی چندبرابری نهاده‌های جایگزین

کمبود کودهای فسفاته و پتاسه یکی از نخستین نگرانی‌های کشاورزان گلستانی در آغاز فصل کشت است؛ نهاده‌هایی که تامین به‌موقع آنها در تغذیه خاک و دستیابی به عملکرد مناسب محصولات نقش تعیین‌کننده دارد اما به گفته بهره‌برداران سهمیه اختصاص‌یافته پاسخگوی نیاز مزارع نیست. شهاب قربانیان، کشاورز گلستانی، کمبود کودهای فسفاته و پتاسه، کاهش سهمیه سوخت ماشین‌آلات کشاورزی، گرانی کودهای حیوانی و محدودیت تامین بذر را از مهم‌ترین مشکلات تولیدکنندگان در آستانه کشت پاییزه برشمرد. وی با بیان اینکه کودهای ازته تامین شده اما کودهای فسفاته و پتاسه به میزان مورد نیاز در اختیار کشاورزان قرار نگرفته است، اظهار کرد: شرکت خدمات حمایتی کشاورزی مسوولیت تامین این کودها را برعهده دارد و بخشی از مواد اولیه تولید آنها از جمله سنگ فسفات وارداتی است که مشکلات تامین مواد اولیه و محدودیت‌های تولید، روند تامین نیاز کشاورزان را با دشواری مواجه کرده است. این کشاورز با اشاره به فاصله میزان کود تخصیص‌یافته با نیاز واقعی مزارع افزود: بر اساس توصیه‌های فنی میزان مصرف کودهای پایه برای هر هکتار شامل ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلوگرم کود فسفاته، ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم کود پتاسه و ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلوگرم کود ازته است در حالی که سهمیه اختصاص‌یافته به کشاورزان با این میزان فاصله دارد. این سه گروه از کودها که از عناصر اصلی تغذیه گیاه به شمار می‌روند حتی در بازار آزاد نیز به‌راحتی قابل تامین نیستند و همین مساله کشاورزان را به سمت استفاده بیشتر از کودهای حیوانی سوق داده است. وی همچنین از افزایش چشمگیر قیمت کودهای حیوانی نیز گلایه کرد و گفت: استفاده از این کودها نیز به گزینه‌ای پرهزینه برای تولیدکنندگان تبدیل شده است. قربانیان با اشاره به افزایش قیمت کود گاوی گفت: این نوع کود که سال گذشته بسته به میزان خشکی و رطوبت آن حدود ۲۰۰ تا ٤۰۰ هزار تومان خریداری می‌شد امسال با احتساب هزینه حمل و تحویل در مزرعه به حدود ۲ تا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده و کشاورزی که برای هر هکتار به حدود ٤۰ تن کود گاوی نیاز دارد باید رقمی در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان برای تامین این نهاده هزینه کند. از سویی دیگر قیمت کود مرغی نیز به حدود هشت تا ۱۰ میلیون تومان رسیده و کشاورزی که برای هر هکتار به ۱۰ تن کود مرغی نیاز دارد باید حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان برای تامین آن هزینه کند. وی خاطرنشان کرد: از یک سو سهمیه و دسترسی کشاورزان به کودهای شیمیایی محدود است و از سوی دیگر استفاده از کودهای حیوانی نیز با توجه به افزایش قیمت‌ها و ضرورت پرداخت نقدی هزینه‌ها برای بسیاری از تولیدکنندگان دشوار شده و این وضعیت به‌ویژه برای کشاورزان دارای اراضی وسیع مشکل‌ساز است. وی گفت: تولیدکنندگانی که محصولاتی با درآمد بالاتر مانند توت‌فرنگی، سیب‌زمینی و سایر محصولات با ارزش اقتصادی بیشتر کشت می‌کنند، ممکن است بتوانند نهاده مورد نیاز خود را برای سطح محدودتری از زمین تامین کنند اما کشاورزی که ۲۰ هکتار گندم یا چغندرقند کشت می‌کند، توان پرداخت چند میلیارد تومان برای تامین کود مورد نیاز را ندارد. در مقابل این نگرانی‌ها رییس سازمان جهاد کشاورزی گلستان از وجود ذخایری از نهاده‌های شیمیایی در انبارها خبر داد و محدودیت‌های مقطعی در تامین برخی کودها را تایید کرد. ابراهیم هزارجریبی اظهار کرد: کود اوره از کارخانه‌های پتروشیمی و کود فسفاته از طریق بنادر و تولید داخل تامین می‌شود و در حال حاضر ذخایری از این نهاده‌ها در انبارها وجود دارد اما ممکن است در برخی مقاطع با محدودیت‌هایی در تامین کود اوره و فسفاته مواجه شویم. وی با اشاره به افزایش هزینه تامین نهاده‌ها افزود: قیمت‌گذاری کودها با توجه به نرخ ارز و سیاست یکسان‌سازی قیمت‌ها اعلام شده و قرار است حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از قیمت سه نوع کود یارانه‌ای نیز به‌عنوان یارانه در اختیار کشاورزان قرار گیرد. رییس سازمان جهاد کشاورزی گلستان با بیان اینکه محدودیت عرضه کودهای یارانه‌ای نباید به کاهش تغذیه مورد نیاز محصولات منجر شود، گفت: در سطح ملی اعلام کردیم که در کنار محدودیت عرضه کودهای یارانه‌ای، امکان استفاده از کودهای غیریارانه‌ای نیز در بازار فراهم باشد تا کشاورزان بتوانند نیاز تغذیه‌ای محصولات خود را تامین کنند و تولید با خسارت مواجه نشود. هزارجریبی با اشاره به تاثیر آزادسازی نرخ ارز بر قیمت نهاده‌های کشاورزی از جمله کود تصریح کرد: گرچه سیاست‌های جدید اقتصادی دولت و آزادسازی قیمت‌ها پس از محدودیت عرضه نیز بر قیمت این نهاده‌ها تاثیر گذاشته اما در مقابل قیمت محصولات کشاورزی نیز رشد چند برابری داشته است. در این شرایط اگرچه در حوزه سوخت باید صرفه‌جویی صورت گیرد اما در بخش کود ضروری است کشاورزان از کودهای غیریارانه‌ای موجود در بازار نیز استفاده کنند.



قیمت‌گذاری کودها با توجه به نرخ ارز و سیاست یکسان‌سازی قیمت‌ها اعلام شده و قرار است حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از قیمت سه نوع کود یارانه‌ای نیز به‌عنوان یارانه در اختیار کشاورزان قرار گیرد

سوخت ناکافی و هزینه سنگین تامین گازوئیل از بازار آزاد

در کنار کمبود نهاده‌های شیمیایی، نحوه تخصیص سوخت ماشین‌آلات کشاورزی نیز از دیگر موضوعاتی است که مورد انتقاد بهره‌برداران قرار دارد؛ مشکلی که به گفته فعالان این بخش با توجه به تفاوت سطح زیرکشت و میزان فعالیت کشاورزان توزیع عادلانه سوخت را با چالش مواجه کرده است. دبیر خانه کشاورز گلستان در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد: مبنای تخصیص سوخت باید سطح واقعی اراضی و میزان فعالیت کشاورزان باشد اما در شرایط فعلی توزیع سوخت با محوریت تعداد تراکتورها انجام می‌شود و ممکن است تراکتوری که زمین کشاورزی ندارد یا سطح محدودی را زیر کشت می‌برد سهمیه‌ای مشابه تراکتور کشاورزی با سطح زیرکشت بیشتر دریافت کند. علیقلی ایمانی با بیان اینکه نیاز سوختی کشاورزان متناسب با سطح فعالیت آنها متفاوت است، افزود: کشاورزی که ۵۰ هکتار زمین دارد به سوخت بیشتری نیازمند است اما در برخی موارد سهمیه اختصاص‌یافته پاسخگوی نیاز او نیست و ناچار می‌شود سوخت مورد نیاز را از بازار آزاد با قیمت‌هایی در حدود ٤۰ هزار تومان تهیه کند. ایمانی با اشاره به استفاده برخی تراکتورها در بخش‌های صنعت، خدمات و حمل‌ونقل از سهمیه سوخت کشاورزی گفت: حتی تعدادی تراکتور در بنگاه‌ها و مراکز خریدوفروش ماشین‌آلات کشاورزی متوقف هستند و با وجود فعالیت نداشتن در مزارع سهمیه سوخت دریافت می‌کنند. آمار دقیقی از تعداد این تراکتورها در اختیار ندارم، اما ممکن است در هر بنگاه ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ دستگاه تراکتور وجود داشته باشد. دبیر خانه کشاورز گلستان پیشنهاد کرد تخصیص سوخت ماشین‌آلات فعال در بخش‌های غیرکشاورزی از سهمیه بخش کشاورزی جدا شود و سوخت مورد نیاز کشاورزان واقعی بر اساس سطح اراضی ثبت‌شده در سامانه سامکا و با اتصال اطلاعات به کد ملی و کارت سوخت اختصاص یابد.